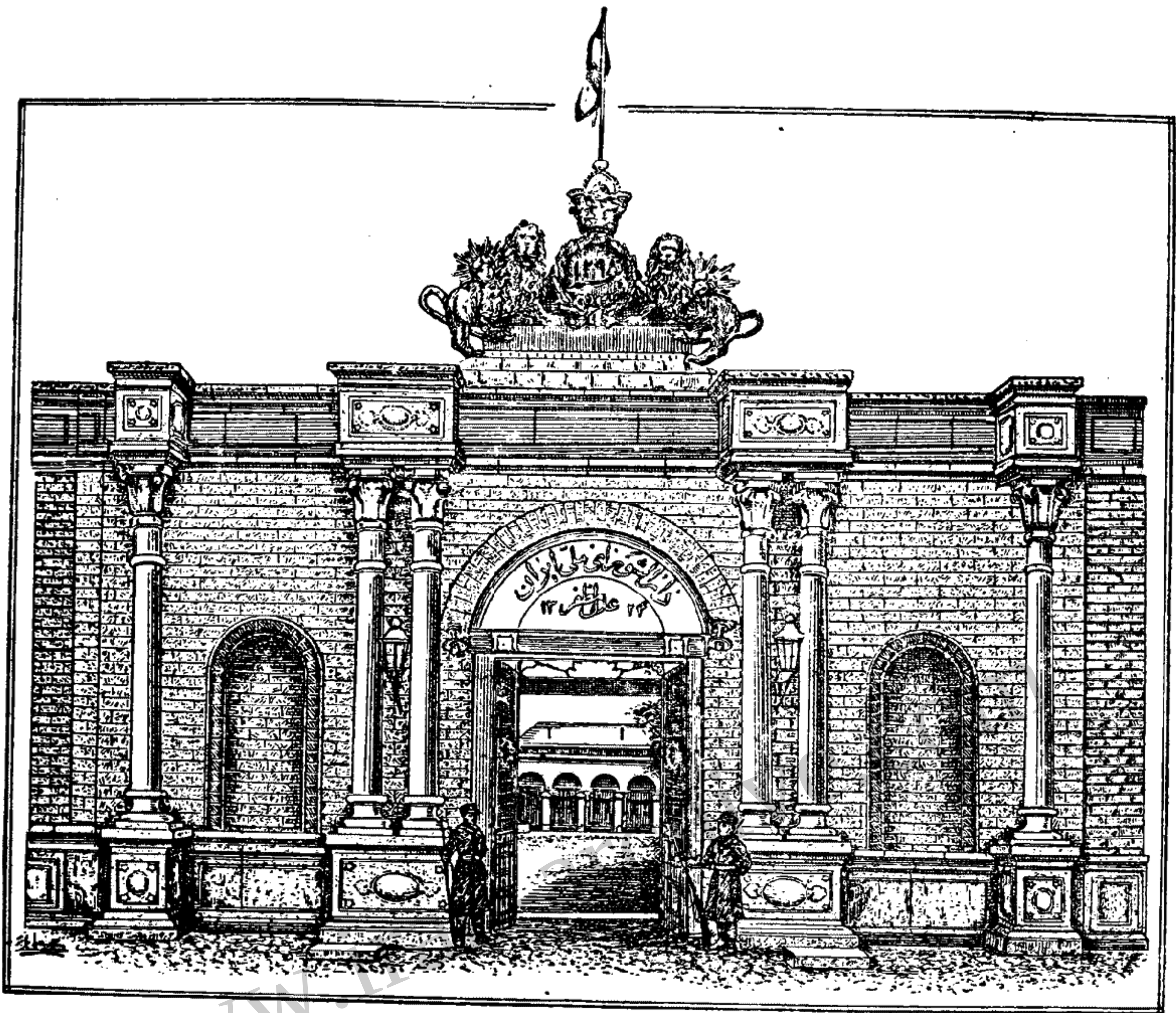


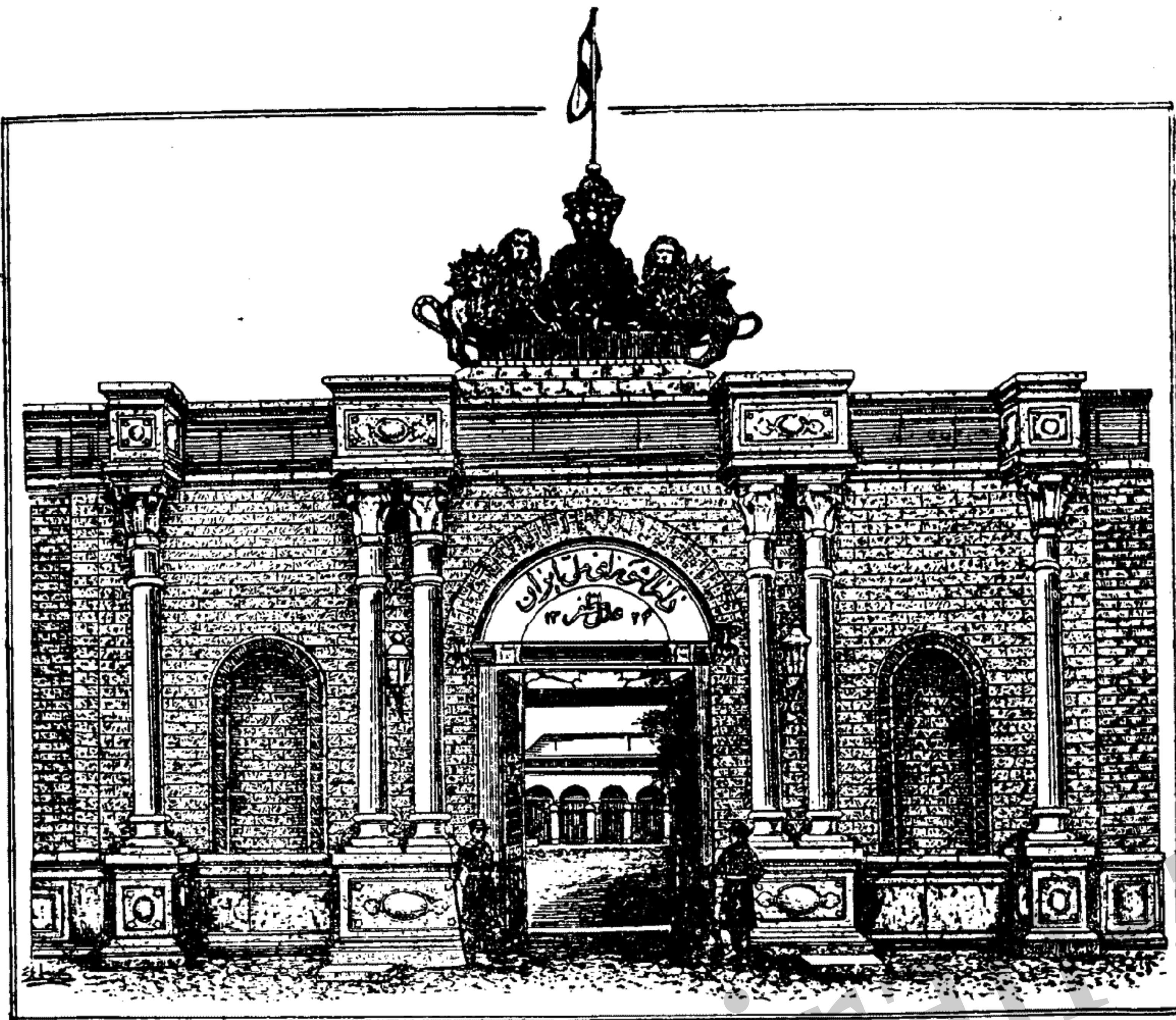


دوره هفتم تقنیه

جلسه ۲۴	مذاکرات مجلس	شماره ۲۴
تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه پنجمین ۱۱ بهمن ماه ۱۳۰۷ مطابق ۱۹ شعبان المعظم ۱۳۴۷	مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود مطبعة مجلس	قیمه اشتراك داخله ایران سالبانه ده تومان خارجہ « دوازده تومان قیمه تك شماره يك قران

فهرست مندرجات

ردیف	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	سؤال آقای آقا سید یعقوب از آقای وزیر مالیه راجع بمزاحاتی که در موقع کشف پول مسکوک در جیفت و عباسی مامورین دولت نسبت بمردم فراهم آورده وجواب آقای وزیر مالیه	۲۷۰	۲۷۱
۲	تصویب مرخصی آقای طباطبائی و کبلی	۲۷۱	۲۷۲
۳	اخذ رای بقابل توجه بودن طرح پیشنهادی راجع به طرز عمران اراضی کویر خوار و قرائت خبر کمیسیون مبتکرات و ارجاع آن بکمیسیونهای مربوطه	۲۷۲	۲۷۳
۴	شور ثانی نسبت بنجر کمیسیون قوانین مالیه راجع به واگذاری قراولخانه ها و اراضی باثرفه قابل استفاده شهرها به بلدیة های محل و ارجاع مجدد آن به کمیسیون	۲۷۴	۲۸۱
۵	قرائت خبر کمیسیون قوانین مالیه راجع بمالیات ذبایح	۲۸۱	



مذاکرات مجلس

دوره هفتم تقنینیه

صورت مشروح مجلس روز پنجشنبه ۱۱ بهمن ماه ۱۳۰۷ مطابق ۱۹ شعبان المعظم ۱۳۴۷

جلسه ۲۴

(مجلس یکساعت و سه ربع قبل از ظهر)
 غائبین با اجازه جلسه قبل
 آقابان : حیدری - میرزا حسن خان وثوق - سید کاظم
 یزدی - دکتر سنک - آشتیانی - مفتی - محمدعلیمیرزا
 دولتشاهی - حاج میرزا حبیب الله امین - دبستانی -
 بریاست آقای دادگر تشکیل گردید
 (صورت مجلس پنجشنبه ۴ بهمن را
 آقای اورنگ قرائت نمودند)

ملك مدنی - حكمت - جلائی - تیمورنیش - محمدآخوند
غائبین بی اجازه جلسه قبل

آقایان : غلامحسین میرزا مسعود - اکبر میرزا مسعود
آقازاده سبزواری - حاج رحیم آقا - میرزا ابوالفضل -
محمد تقیخان اسعد - شیخ محمد جواد - حاج آقا حسین
مهدوی - شیخ علی مدرس - حاج حسن آقا ملك -
حاج غلامحسین ملك

دبر آمدگان با اجازه جلسه قبل

آقایان : نجومی - عبدالحسین خان دیبا - مخبر فرهمند
دبر آمدگان بی اجازه جلسه قبل
آقایان : نوبخت - بوشهری - شریعت زاده - اسدی
عراقی - قوام - امیر حسین خان - ذوالقدر
رئیس - در صورت مجلس مخالفی نیست
(گفتند خیر)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد آقای آقا سید یعقوب
سؤالی از آقای وزیر مالیه داشتید بفرمائید ؟

آقا سید یعقوب - سؤال بنده متمم قانونی بود که در
دوره ششم از برای آوردن متخصص عتیقیات در این جا
گفته شد شما که میخواهید متخصص از برای عتیقیات
بیاورید يك قانونی بیاورید که مردم و تبعه داخله برای
استخراج از زیر زمین آزاد باشند بعد در این جا
آقایان وزراء به ما وعده کردند که قانون را
تهیه میکنیم. تا موقعی که پروگرام در مجلس مطرح شد
باز در اینجا ما گفتیم که آن چیزی که خیلی مهم است
و باید هیئت دولت در نظر بگیرد مسئله آزاد کردن
مردم است از استخراج چیزهایی که در زیر زمین است
آقایان وزیر مالیه و وزیر عدلیه هر دو اظهار کردند که
ما در قانون مدنی يك ماده راجع باین مسئله تعیین
کردیم و تلگراف هم بتمام نقاط کردیم که مأمورین دولتی
بهیچوجه متعرض مردم نشوند و این يك نویدی بود و
ما هم حقیقه مطمئن شدیم که مردم راحت شدند بعد از
دو ماه تلگرافی از جیرفت آمد که در آنجا مشغول احداث
يك خیابانی بودند يك پول مسکوکي پیدا شده بود فوراً

مأمورین سر آنها ریخته بودند حالا ننوشته بود که
مأمورین مالیه بودند با امنیه یا جای دیگر آن بیچاره ها
را جلب کرده بودند و پولها را هم توقیف کرده بودند گفتیم
شاید در تلگراف تأخیر شده چون در آنجا تلگراف
باشتر میرود بعد دو مرتبه از بندر عباس تلگراف آمد که
در روزهای آنجا هم نوشتند. در روز نامه کوشش هم بود. در
روزنامه ایران هم بود. خود هیئت محترم دولت هم بقینا مستحضر
شده اند که در بندر عباس يك دیواری را مشغول ساختن
بوده اند يك ظرف پول مسکوکي پیدا شده بود باز آنها
را تحت تعقیب در آورده اند بنده باعتبار آن چیزی که
آقای وزیر عدلیه و آقای وزیر مالیه فرمودند که ما بر
طبق قانون تلگراف کردیم بتمام جاها که اگر کسی
چیزی پیدا کرد مزاحم او نشوند بنده این مطلب را در
مجلس سؤال کردم از آقای وزیر مالیه که در این مسئله چه
اقدامی کرده اند حالا قطع نظر از این واقعه که در جیرفت
و بندر عباس اتفاق افتاده است اساساً هیئت دولت باید مطابق این
قانون که بایستی در مملکت عملی شود مردم را آزاد بگذارند
اگر قانون میخواهند برای عتیقه جات بنویسند زودتر
بنویسند و بیاورند از مجلس بگذارند و مردم را راحت
کنند که لااقل بتوانند از این قسمت در مملکت استفاده
کنند از این چیزهایی که در زیر زمین است مردم
محروم نمانند و بنده حالا در اینجا ب و شکوی نمیخواهم
بکنم مقصودم بیان اصل موضوع بود و حالا که آقای
وزیر مالیه اینجا تشریف دارند خوبست يك جوابی که
اسباب اطمینان مردم باشد بدهند که اگر بروند زیر
زمین چیزی پیدا کنند مأمورین دولت زودتر توی کلاشان
بزنند و اسباب زحمتشان را فراهم کنند.

وزیر مالیه - تذکری که نماینده محترم دادند راجع
بمذاکرات سابق که در مجلس شده بود و همکار محترم من
آقای وزیر عدلیه و بنده در آن شرکت کرده بودیم اگر
در خاطرشان باشد بالاخص مأمورین مربوط به دفینه بود.
فرق است بین دفینه و بین حفربانی که از برای کشف
و بیرون آوردن عتیقیات است، البته آن قسمتی که مربوط

به حفر از برای کشف عتیقیات است مطابق يك قانونی
که بامشورت متخصصین در دست تهیه است و بعد مجلس
تصویب خواهد کرد تکلیفش معلوم میشود. راجع به
دفینه همانطوریکه آنوقت عرض کردم حالا هم تأیید میکنم
که در باب ششم در قانون مدنی ماده ۱۷۹ (به بخشید)
باب پنجم از ماده صد و هفتاد و سه تا ماده صد و هفتاد و
نه تکلیف این کار معلوم شده و البته همه جا و همه
مأمورین هم موظف با احترام و اجرای قانون هستند قضیه
که به او اشاره کردند و در سؤالی که به بنده ابلاغ شده
بود ذکر کرده بودند یکی راجع به جیرفت بود یکی
راجع به بندر عباس. بنده ناچار سابقه راجع به جیرفت
توانسته ام پیدا کنم ولی راجع به بندر عباس این است
قضیه که در ۲۵ آبان گذشته در جزیره هنگام دوائر
دولتی اداره گمرک و قشونی آنجا بنا میکردند در ضمن
اینکه بی میکنند برای دیوار مصادف شده اند به يك
مسکوکي چون عمل مربوط بمأمورین دولتی بوده و آنها
این بی را میکنند اند برای اینکه دیوار بنا کنند و يك
اراضی بوده که مالك خصوصی نداشته است آن مسکوکي
که در آنجا پیدا شده مأمورین دولتی تحت نظر گرفته اند
و راپورت داده اند و الا نه از حیث اینکه مالك خصوصی
داشته است مشمول این قانون میشود و نه اینکه عمل
کننده اشخاص خاصی بوده اند که مأمورین دولت نسبت
بانها عملی کرده باشند. مأمورین اداره گمرک و قشونی
بوده اند و بنده غیر از این اطلاعی ندارم.

آقا سید یعقوب - بنده حقیقتاً میتوانم شکر گذاری
کنم که دولت تعقیب این مطلب را دارد و يك تأمینی
برای مردم است که اگر دفینه پیدا کنند دیگر مأمورین
دولت متعرض آنها نشوند همین قدر که آقای وزیر مالیه
اظهار کردند که اگر دفینه پیدا شود مطابق قانون
مدنی با مردم رفتار میشود مسلماً این يك تأمینی است
و امید وارم راجع به عتیقیات هم قانونش را بیاورند که
مردم تکلیفشان معلوم شود.

رئیس - آقای اعتبار فرمایشی دارید ؟

اعتبار - خیر عرضی ندارم
رئیس - آقای رئیس الوزرا فرمایشی دارید ؟
رئیس الوزرا - آقای آقا سید ابوالقاسم خان عمید را
بکفالت وزارت امور خارجه بحضور مجلس معرفی میکنم.
در مسئله مدارس هم که صحبت شد در صدد هستیم این
مسئله را اصلاح کنیم.

رئیس - دو فقره راپورت مرخصی از کمیسیون عریض
و مرخصی رسیده است قرائت میشود
(بشرح ذیل خوانده شد)

خبر مرخصی آقای طباطبائی وکیل
نماینده محترم آقای طباطبائی وکیل بواسطه کسالت و
مرض قلب برای معالجه به تصدیق اطباء مسافرت خود را
بالمیان لازم دانسته و تقاضای چهار ماه مرخصی از تاریخ
حرکت نموده کمیسیون بواسطه صحت اظهارات معزی الیه تقاضای
ایشان را تصویب و اینک خبر آنرا تقدیم میدارد و چون
مرخصی از تاریخ حرکت دوام اکثریت مجلس را ممکن بود
مترازل سازد لذا مرخصی ایشان مشروط است باینکه تا
چهار ماه از تاریخ ۳ بهمن از این مرخصی استفاده نمایند
و الا این مرخصی از درجه اعتبار ساقط است.

رئیس - آقای زور

زور - بنده موافقم

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده مکرر عرض کرده ام در این طور
مواقع نه ملاحظه دوستی از کسی میکنم و نه ملاحظه
دشمنی در این جا آمده ام حفظ حقوق ملت و مملکت را
بکنم و انشاءالله با موافقت آقایان هم میکنم باین نظر بنده
عقیده ام این است هر کس هر جائی میخواهد برود آزاد
است کسی جلوگیری از وکیل یا غیر وکیل نمیکند. می
خواهند بروند تشریف ببرند. خوب خدای نخواست
ناخوشند خیال کنند وکیل نیستند اگر وکیل نبودند و
مريض میشدند از ملت چیزی میگرفتند در مقابل مرضشان
عرض کردم اجرت در مقابل عمل است، در مقابل کار
است میخواهد شخصی مريض باشد میخواهد سالم باشد

حالا این جا آقا چهار ماه مرخصی میخواهند آخر ایشان مطابق کدام قانون شرعی میتوانند هزار و دویست تومان از مال مردم بگیرند و از این حقوق استفاده کنند؟ بنده گمان نمیکنم خود ایشان هم راضی باشند که در این چیز ها رأی بدهند و بنده چون قسم خورده ام نمیتوانم هرگز بر خلاف عقیده خودم این جا ساکت بنشینم

آقا سید مرتضی ونوق (مخبر کمیسیون) - آقای فیروز آبادی در قسمت اول مخالفت فرمودند و فرمودند که مسافرت در پیش دارند و مریضند اولاً ایشان باید بدانند که لیس علی المریض خرج اگر مریض شدند مستلزم این نیست که حقوق بگیرند و مسافرت ایشان هم برای کسالتشان است و تمام اطباء هم تصدیق کرده اند که باید این مسافرت را بکنند و ایشان از جمله اشخاصی نیستند که احتیاج نداشته باشند. تمام این مراتب در کمیسیون تحقیق شد و تصدیق کردند که چهار ماه مرخصی با استفاده از حقوق به ایشان داده شود.

فیروز آبادی - فرمایشات جنابعالی هم تأیید عرض بنده را کرد.

رئیس - رای میکیریم بمرخصی آقای طباطبائی و کلی آقایان موافقین قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد.

خبر مرخصی آقای اعتبار

نماینده محترم آقای میرزا احمد خاب اعتبار بواسطه عارضه کسالت و لزوم معالجه مسافرت خود را بخارجه ضروری دانسته و تقاضا سه ماه مرخصی از تاریخ حرکت نموده کمیسیون تقاضای معزی الیه را تصویب و اینک خبر آن تقدیم میگردد مشروط بر اینکه از تاریخ ۶ بهمن ماه از این مرخصی الی مدت سه ماه استفاده نمایند و الا بعد از انقضاء مدت از درجه اعتبار ساقط است.

مخبر - این خبر را بنده پس میکیرم

رئیس - طرح قانونی راجع بطرز عمران اراضی کویر خوار قرائت میشود (بمضمون ذیل خوانده شد)

اینصورت مجاز خواهند بود که آنها اختصاصی خود را پس از پرداخت قیمت اراضی که محل نهر و حفر قنات واقع میشود نهر مزبور را بآنها عمومی که برود خانه اتصال دارد رسانیده و یا مستقیماً برود خانه برساند و احدی حق ممانعت نخواهد داشت

(اراضی دولتی مجاناً داده خواهد شد)

ماده ۵ - قراء مستحده در اراضی کویر خوار از اولین بر داشت محصول تا مدت ده سال از تأدیه مالیات معاف و پس از آن تابع مقررات عمومی خواهد بود

ماده ۶ - جهة قراء مستحده وزارت مالیه مکلف است نظامنامه برای اجرای مواد فوق تهیه و بر طبق این قانون شروع بواگذاری اراضی کویر بتقاضا کنندگان بنماید (خبر کمیسیون مبتکرات به شرح ذیل خوانده شد)

کمیسیون مبتکرات در جلسه روز سه شنبه دوم بهمن ۱۳۰۷ طرح قانونی راجع به طرز عمران اراضی کویر خوار را با حضور نماینده وزارت مالیه تحت مذاکره و مذاقه قرار داده و بالاخره طرح مزبور را قابل توجه دانسته اینک خبر آن را تقدیم و تقاضا مینماید که بکمیسیونهای قوانین مالیه و فوائد عامه ارجاع شود

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده فوق العاده علاقمند هستم باین قانون زیرا قانون خوبی است و امیدوارم که کمیسیون زود تر موفق شود بیاورد در مجلس و ما هم انشاءالله موفق شویم بتصویب آن و در اول بهار دولت يك اقدامی بکند و يك قدمی برای عمران بردارد ولی نوشته بود که برود بکمیسیون قوانین مالیه و فوائد عامه بنده نظر ندارم که کمیسیون فوائد عامه مه خلیت داشته باشد. (حالا شاید ادنی مناسبت را ملاحظه کرده باشند) و باید بهمان کمیسیون قوانین مالیه تنها برود که راپورتنش زود تر بیاید بمجلس که بلکه يك قدم اساسی برای عمران برداشته شود.

رئیس - آقای دهستانی فرمایشی دارید؟

دهستانی - خبر بنده موافقم

رئیس - آقای زوار

زوار - عرضی ندارم

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - بنده البته اصولاً با این لایحه موافقم و شاید خود بنده هم امضا کرده باشم لیکن میخواستم عرض کنم اراضی که متصف باین صفات باشد یا نظیر این اراضی بآئره که همینطور بی حاجت افتاده در ایران خیلی زیاد است که دولت ادعای تملك آنها را میکند مردم هم که غالباً فاقد جمیع وسائل هستند بنده عقیده ام این است که اگر يك لایحه راجع بکلیه اراضی بآئره و دائره پیشنهاد میشود بمجلس که از جمله اش این تکه اراضی در خوار است انفع بود نسبت بمملکت. حالا بنده این عرض را کردم شاید در کمیسیون مالیه برای پیشرفت مقصود بنده راهی بنظرشان برسد

جمعی از نمایندگان - مخالفی نیست مذاکرات کافی است

رئیس - رای میکیریم بقابل توجه بودن پیشنهادیکه قرائت شد راجع بطرز عمران کویر خوار آقابانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند (اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد. خبر کمیسیون قوانین مالیه راجع بواگذاری قناتل خانها و غیره به بلدییه ها قرائت میشود.

(شرح ذیل قرائت شد)

کمیسیون قوانین مالیه پیشنهادات آقایان نمایندگان محترم را در شور اول بمجلس شورای ملی تقدیم نموده بودند تحت شور قرار داده و ماده واحده را بشرح ذیل تنظیم و راپورت آنرا تقدیم میدارد

ماده واحده - دولت مجاز است املاك دولتی ذیل را در هر شهری در صورتیکه برای احتیاج دوائر خود لازم نداند با اطلاع وزارت مالیه به بلدییه همان شهر واگذار نماید

(قراولخانها - سرنازخانها - میدانها - اراضی بآئره باغات - بیوات - اراضی حربیم دار الحکومه ها -

قنوات باثرب دولتی که ممکن است مورد استفاده شهرها واقع شود)

بلدیه ها هر قدر از محلهای مزبور را برای خیابانهای جدید و مؤسسات بلدی لازم است نگاهداشته و مابقی را با اطلاع وزارت مالیه بخریده فروخته و وجه حاصله را منحصرأ بمصرف تأسیسات عام المنفعه همان محل خواهد رسانید .

تبصره - خندقها و خاک ریز و حصار شهرها که مورد استفاده نظامی نیست و تا موقع تصویب اینقانون بنائی در آن نشده و در تصرف فعلی اشخاص نیست متعلق به بلدیه ها و میتوانند فروخته و بمصرف تأسیسات عام المنفعه برسانند .

رئیس - شور ثانوی ماده واحده مطرح است .
آقای مؤید احمدی

مؤید احمدی - عرضی ندارم

وزیر مالیه - اجازه میفرمائید ؟

رئیس - بفرمائید

وزیر مالیه - بنده تقاضا میکنم در تبصره ماده ترتیبی که تنظیم شده يك لغت (حریم) افزوده شود از برای اینکه بعضی خندق ها هستند که اینها گذشته از خاک ریز متدولا و معمولا يك حریمی هم دارند آن حریم هم باید مشمول همین قسمت شود بنده حالا آقای مخبر را هم توجه دادم آقای مخبر هم گمان میکنم با بنده موافقت بفرمایند (حصار خندق شهرها و خاک ریز خندق و حریم آن)

مرآضی قلیخان بیات (مخبر کمیسیون قوانین مالیه) اینجا بعقیده بنده کلمه (حریم) نوشته شود کافی است و این نظری که حضرت والا فرمودند البته چیز لازمی است و از نظر اقتاده بود و باید کلمه (حریم) اضافه شود که در موقع عمل اشکالی پیش نیاید

رئیس - آقای عدل

عدل - عرضی ندارم

رئیس - آقای یاسائی

یاسائی - بنده با این ماده موافقم ولی با طرز

تنظیم آن مخالفم و عقیده ام این است که اگر بطور کلی نوشته شود بهتر است . مقصود ما از این ماده این است که اگر دولت در شهرها مستغلات با يك اموال غیر منقوله دارد آنها را بمصرف بلدیه ها بدهد یعنی از يك نحوه ملك عمومی آن املاك را خارج کنیم و يك نحوه دیگری در بیادریم و اگر بلدیه ها لازم دارند برای مؤسسات خودشان نگاه دارند والا بفروشد و جهش را بمصرف مؤسسات عام المنفعه برسانند و در عین حال اگر دولت لازم دارد يك قسمت هائی را برای دوائر دولتی و سایر مؤسسات آنها را هم نگاه دارد از اینکه اسم برده شود قراولخانه و سرباز خانه و فلان و اینها بعقیده بنده مقتضی نیست و مقصود که بطور کلی نوشته شود دولت هر چه اموال غیر منقوله در شهرها دارد و مورد احتیاج مؤسسات و دوائر دولتی نیست با اختیار بلدیه ها بگذارد بنده در شور اول پیشنهاد کردم همینطور که نوشته اند اراضی باثرب اراضی دائره را هم بنویسند برای اینکه در بعضی شهرها الان زمینها یا باغاتی هست که سالی پنجاه تومان اجاره میکنند ولی اگر این را واگذار کنند به بلدیه و مردم را تشویق و ترغیب کنند ممکن است که عایدش خیلی بیشتر باشد زیرا کراا ا اهالی ولایات گفته اند و مراجعه کرده اند که اگر دولت فلان قطعه زمین را بدهد ما حاضریم

مریضخانه بسازیم اعانه هم میدهیم

ما باید يك کارهائی کنیم که مردم را تشویق بکنیم در مساعدت با کارهای بلدیه که يك شرکت هائی بکنند دولت هم البته باید مساعدت بکند بنده عقیده ام این است که بطور کلی نوشته شود اراضی باثرب و دایره و بالاخره چیز هائی که دولت دارد و مورد استفاده بلدیه است حالا در ردیف خالصجات میکنند در هر صورت آنها را باختیار بلدیه بگذارد . یکی دیگر موضوع میدانها است بنده نمیدانم از نقطه نظر عرف باین میدانها که در شهرها است چه میشود گفت ؟ اساساً در هر شهری از هر فردی از اهالی آن شهر سؤال کنید که فلان میدان

اختیارش با کیست میگویند با بلدیه است اگر این طور است شما چرا خیابانها را نمی نویسید ؟ خیابانها هم مثل میدانها است . در هر صورت بنده عقیده ام این است بطور کلی نوشته شود وزارت مالیه مکلف است عبارت (مجاز است) خوب نیست چون باید مکلف باشد و اگر نوشته شود دولت مکلف است کلیه اموال غیر منقولی که در شهرها دارد غیر از آنچه که مورد احتیاجش است و اگذار کند ببلدیه ها این خیلی ساده تر و جامعتر است بلدیه اگر يك جائی را لازم داشت جدا میکند و آنچه را که لازم نداشت میفروشد . ملاحظه کنید در این سنوات اخیر چه کمکهائی ببلدیه های ولایات کرده اند صد تومان ، صد و پنجاه تومان ، دویست تومان که يك مقداری از آن هم خرج برسنی میشود و چیز قابلی باقی نمیاند که بلدیه ها يك سر و صورتی بگیرد و دائماً شکایات از اهالی ولایات راجع بشهر هاشان میآید چون میآیند بر کر نماشا میکنند میبینند وضعیت مرکز عوض شده است هوس میکنند و تقاضا میکنند که اعتبارشان زید تر شود حالا که حاضر شده اند يك به بلدیه ها بکنید يك قدری کککش را توسعه بدهید دولت هم اگر فلان تیکه زمین را در فلان شهر نداشته باشد که سالی ده تومان باو فایده برساند بعقیده بنده طوری نمیشود از آنطرف يك کمکی با اهالی شهرها شده . این عقیده بنده است

وزیر مالیه - نظر نماینده محترم در اینکه بایستی يك کمکی کرد ببلدیه ها کاملاً با نظر دولت تطبیق میکند و بهترین علامتش هم موافقت با این طرح است که از طرف آقایان نمایندگان داده شده بود و در کمیسیون قوانین مالیه بنده خودم حاضر شدم و موافقت کردم و توافق نظر حاصل شد . دو ایراد دارند یکی اینکه میفرمایند نوشته شود دولت مکلف است عوض اینکه نوشته شود مجاز است بعقیده من صدر و ذیل فرمایش خودشان يك قدری تناقض دارد اگر نوشته میشد (دولت مکلف است تمام اموال غیر منقولی که در شهرها دارد بدهد ببلدیه ها) این منطقی بود ولی اگر نوشته شود دولت مکلف است

آنچه را که لازم ندارد بدهد این با مجاز است چه فرق میکند ؟ عیناً یکی است برای اینکه مشخص اینکه احتیاج دارد یا ندارد خود دولت است . شما وقتی گفتید مجاز است این را بدهد عیناً مطلب بر میگردد بهمان صورت اما بنده یقین دارم خود نماینده محترم با من موافقت دارند که بایستی يك فکر ثانوی را داشت و آن این است که دولت آنچه را که برای احتیاجات دوائر دولتی خودش لازم ندارد بدهد ببلدیه اگر لازم دارد که نباید بدهد از آنطرف یقین داشته باشید که هیچوجه من الوجوه دولت مایل نیست يك بنائی را که يك روز اسمش قراولخانه بوده و امروز اینجا افتاده این را نگذارد بخروبه بیفتد و واگذار نکند . ای بسا اتفاق میافتد که ما خودمان در زحمتیم و متاسفیم که چهرا اجازه قانونی در دست نداریم که این چیزهای بی مصرفی را که ما نمیتوانیم ازش استفاده کنیم یا اگر استفاده میکنیم استفاده جزئی است و اگذار کنیم بيك اشخاصی که يك استفاده هاي بهتری بکنند . پس بعقیده بنده اصل فکر یکی است و تبدیل مجاز است به مکلف است چیز خوبی نیست آقا موافقت بفرمایند همینطور که ماده تنظیم شده در این قسمت باقی باشد بعد فرمودند ما چرا اینها را اسم میبریم و چرا بطور کلی نمی نویسیم اموال غیر منقول . اگر چه این تعدادی که در ماده کرده اند مرادف با همین اموال غیر منقول است برای اینکه همه اش هست بنده هر چه فکر میکنم می بینم چیزی خارج از اینها باقی نمی ماند برای اینکه نوشته شده قراولخانه ها - سربازخانه ها - میدانها - اراضی باثرب - باغات - بیوانات - اراضی حریم دارالحکومه ها قراولخانه ها دیگر چیزی تصور نمیکند باشد . حالا آقا اشکالشان سر اراضی دائره و باثرب است اینجا بعقیده بنده اشکالی ندارد علتش را هم عرض میکنم برای اینکه بنده هر چه فکر میکنم می بینم در شهر يك اراضی دائره که غیر از صورت باغ داشته باشد یا بیوانات باشد نیست . اراضی مزدوعی که وسط شهر نیست . اراضی که وسط شهرها است اراضی است که زراعت درش نمیشود

غرس درخت هم نشده که باغ باشد. این است که ما نوشته ایم اراضی باثرب. حالا اگر آقایان يك شهرهائی را میشناسند که در میان آن شهرها ممکن است مالیه یا خالصه برود چغندر بکار یا سیب زمینی بکار و اسم باغ شامل آن نشود بگویند ولیکن در عرف و اصطلاح این قبیل زمینها هم باغ نامیده میشود اگر يك زمینی باشد که حصاری داشته باشد و سبزکاری درش بشود یا بونجه کاری بشود بدون درخت این را بهش باغ میگویند حالا اگر باین توضیحات بنده آقایان عقیده شن این باشد که باید اینجای اراضی دائره و باثرب هر دو را نوشت و آقای مخبر هم بپذیرند اشکالی ندارد ولی عقیده بنده لزوم ندارد.

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده مخالفی در این لایحه هیچ ندارم مخالفت همینقدر نسبت باین است که خواستم تذکر بدولت داده باشم چون بعضی عبارات کش دار در این لایحه است که همینقدر که گفتند حریم فردا در شهرهای دور دست يك تعبیراتی خواهد شد که شاید املاک مردم و بعضی خانهای مردم که مجاور دار الحکومه ها و بعضی نقاط هست مورد تزلزل واقع شود. خواستم يك تذکر بدولت بدهم که موقع نوشتن نظامنامه توجه باین امر داشته باشند و قسمی نظامنامه این قانون را تنظیم بکنند که باملاک مردم صدمه و زحمتی وارد نشود. قسمی نشود که هر ملک را بگویند اینجا از روی پشت بام که برف میاندازند پنج ذرع میرود پس این پنج ذرع حریم است یا آب ناردانش میرود تا ده ذرع میرود پس این حریم است. این قسم تعبیرات را بطوری نکنند که اسباب زحمت شود. در نظامنامه طوری پیش بینی شود که فردا اسباب زحمت و تولید اشکال جهت مردم نشود و همچنین نظر داشته باشند که مطلق املاک متصرفی هر کس در میدانها هم که بوده باشد اشکال تراشی بجهت آنها نکنند و از آنها سند نخواهند.

مخبر - بنده فرمایشات آقای فیروز آبادی را هیچ ملتفت نشدم...

فیروز آبادی - گوش ندادید

مخبر - خیر کاملاً گوش دادم چیزی ملتفت نشدم فرمودند نظامنامه را طوری ننویسند که اسباب زحمت باشد بنده کان میکم این قانون محتاج به نظامنامه نباشد ثانیاً فرمودند املاک مردم مرازم نشوند بنده کان میکم در اینجا هیچ اسمی از مزاحمت املاک مردم برده نشده بلکه متنها درجه در این قسمت در کمیسیون دقت کردیم. اگر احتمالی داده میشد که ممکن است مزاحمتی بشود او را هم رفع میکردیم چنانچه اگر در ماده توجه فرموده باشید همین قسمی که ملاحظه میفرمائید راجع به خندقها نوشته ایم خندقها و خاکریز و حرم و حصار شهرها که مورد استفاده نظامی نیست و نا موقع تصویب این قانون بنائی در آن نشده و در تصرف فعلی اشخاص نیست متعلق ببلدیه است. ملاحظه بفرمائید این اندازه ما دقت کردیم که اگر چنانچه احتیاطاً بعضی شهرها يك اشخاصی بيك ترتیبائی يك دخالت هائی کرده اند يك بنائی در اینجا کرده اند یا از دولت گرفته اند بی اجازه یا اجازه و حالا اینجا ساکن هستند و بنائی هم دارد این اندازه هم مراعات شده که مزاحمتی برای آنها تولید نشود از این جهت تصور میکنم این فرمایشات هیچ محل نداشته باشد بجهت اینکه در قسمت املاک مردم حتی در قسمت اینکه شاید از املاک دولتی هم يك قدری گرفته شده باشد ما این ملاحظه را کردیم و رفع کردیم و آنچه که لازمه دقت بود از هر جهت چه از جنبه دولت و چه از جنبه مردم در کمیسیون تمام ملاحظه شد و کان میکم این ماده که ترتیب داده شده طوری است که هم تکلیف دولت درش معلوم شده و هم مردم.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

طبا طبائی روجردی - بنده مخالفم

رئیس - بفرمائید

طبا طبائی روجردی - بنده خواستم راجع باین خندقها که در تبصره ذکر شده عرض کنم خندقها دوسه حال دارند بعضی هستند که باثرب و همینطور افتاده اند و محل استفاده نیستند بيك خندق هائی هستند که مورد زراعت و استفاده و بهره اند و دولت از آنها يك چیزی

میکبرد یعنی علاوه بر مقدار اراضی که قبل زراعت است میکبرد خواستم به بینم این هم جزء همان قسمتی است که دولت ببلدیه واگذار میکند یا نه؟

مخبر - اینجا اگر دقت بفرمایند ما نوشته ایم این قسمت از خاکریزها و خندقها متعلق ببلدیه است و بلدیه هم میتواند بفروشد و بمصرف تأسیسات عام المنفعه برساند در هر حال این قسمت مربوط بدولت نیست مربوط ببلدیه است و برای بلدیه هم این اختیار را گذاشته ایم که اگر چیزش را لازم دارد نگاهدارد و اگر لازم ندارد بفروشد. البته اگر جائی دست اشخاص باشد کد حق لارض میگیرند ممکن است اگر صلاح بداند همانها را بفروشد و پولش را بمصرف دیگری برساند

رئیس - رای گرفته میشود بکفایت مذاکرات آقایان

موافقین قیام فرمایند

(اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. پیشنهاد آقای یاسائی

(بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم در ماده واحد علاوه شود اراضی دائره

رئیس - آقای یاسائی

یاسائی - عرض میشود بنده نخواستم در موافقت دولت با این لایحه تردیدی کرده باشم البته دولت هم میل دارد که کمک کند منتهی در طرز کمک کردن ممکن است کم و بیش اختلاف نظر باشد اینطوری که فرمودند دولت یا وزارت مالیه در نظر ندارد يك اراضی و باغاتی که در شهرها هست و استفاده اش زیاد نیست نگاه بدارد و فرمودند باغات که قید کردیم کافی است در بعضی شهرها اصطلاحاتشان با بعضی شهرهای دیگر تفاوت دارد در قزوین اگر يك زمینی چند تا درخت داشته باشد او را میگویند باغ ولی در حدود خراسان و آن قسمتها اینطور نیست نادبوار نداشته باشد نمیگویند باغ پس ما باین کلمه باغ تنها نمیتوانیم قناعت کنیم باید نوشته شود اراضی و باغات. دیگر از چیزهائی که بنده بنظرم

آمد اگر اضافه کنیم مفید است مسئله قلعه های مخروبه است که در شهرها هست این قلعه های مخروبه غالباً منظره شهرها را بدنما کرده است و فایده ندارد باغ هم نیست و مالیه هم مانع است از اینکه اقلاً آن خاکهایش را که يك رشوه است برای زراعت بردارند. بالاخره شهرها را بدمنظره کرده و مالیه هم اجازه نمیدهد که بلدیه اینها را از بین ببرد. بنده عقیده ام این است که قلعه خرابه ها را هم اضافه کنیم. ما در حدود خودمان قلعه خرابه خیلی داریم که فردوسی میگوید: دز چمبدان و دز چرمه دز زاوگان و دزد رمنه. این قبیل قلعه ها در آن حدود تمام وسط شهرها اتفاق افتاده که مخروبه است و خاکهایش برای زراعت خوب است و هر وقت بخواهند استفاده کنند مالیه مانع است. بنده عقیده ام این است که اینها بر قراولخانه ها مقدم است بعضی جاها قراولخانه دارد بعضی جاها قلعه دارد. این است که خواهش میکنم قلعه مخروبه ها هم اگر آقای وزیر مالیه موافقت بفرمایند به پیشنهاد بنده اضافه شود

مخبر - همین طور که آقای وزیر مالیه هم توضیح دادند نظر دولت و نظر کمیسیون این نبود که چیزی استثنای شود. نظر کمیسیون این بود که بطور کلی نوشته شده باشد که بعد اسباب اشکال در مالیه و غیره پیدا نشود باین جهت ما شرح دادیم و آنها را قلم بقلع نوشتیم. در قسمت باثرب و دائره که آقا فرمودند نظر ما این بود که وقتی نوشتیم اراضی باثرب و باغات این شامل همه خواهد شد بجهت اینکه با باغ است با زمین باثرب و در شهرها غیر از این نیست. از این جهت ما به این دو قسمت اکتفا کردیم اراضی دائره هم جزو بیوانات است قلعه مخروبه هم جزو اراضی باثرب است و در هر حال از این قسمت ها خارج نیست و با اینکه عبارت مشمول همه است معذک اگر اصرار دارید بنده قبول میکنم که اراضی باثرب و دائره و قلعه مخروبه و بیوانات همه نوشته شود.

رئیس - آقای کازرونی: نظر جنابعالی که تا مین شد؟

کازرونی - بلی

رئیس - آقای اورنگ هم پیشنهادی کرده اند
(بشرح آتی خوانده شد)

پیشنهاد میکنم در آخر تبصره دنبال حصار شهر ها کلمه
خرابه ها اضافه شود.

رئیس - آقای اورنگ -

اورنگ - خاطر مبارك آقایان مسبوق است که بعضی
اراضی هست که در آنجا خاشاک انباشته اند و خاک کروی
در آنجا میریزند این ها اراضی باثرب است و هیچ مالک
و صاحب معینی هم ندارد مگر آن کسی که آن زمین را
حیازت میکند زیرا بموجب ماده ۶۱ قانون مدنی هر
کس که این قبیل زمین ها را حیازت کند او مالک ملک
شناخته میشود حالا من باب مثل عرض میکنم : از سر
قبر آقا که غالب آقایان عبور فرموده اند از جلو که
قبرستان شروع میشود یک زمین بسیار بزرگی است که
کله پذهای طهران استخوان ها را میبرند و در آنجا
انبار میکنند و میریزند این زمین را کسی ضبط نکرده
و یک مالک خصوصی هم ندارد برای اینکه دیده اند اگر
بخواهند این زمین را اشغال کنند خرجی که باید
بصرف پاک کردنش برسد خیلی زیاد تر از خود زمین
تمام میشود. از این قبیل اراضی در شهر ها خیلی زیاد
پیدا میشود. بنده در همین طهران متجاوز از پنجاه
فقره از این اراضی را حفظ و حاضر الذهن دارم که
ممکن است بعضی آقایان برسانم و نشان بدهم. مقصود
بنده این است که این قبیل اراضی هم مطابق این پیشنهاد
جزو این تبصره شود که بلدیها بتوانند آنها را فروخته
صرف مؤسسات عام المنفعه بکنند این بود توضیح بنده حالا اگر
آقای مخبر قبول بکنند که این قبیل خرابه ها هم علاوه
و مشمول شود خیلی خوب است زیرا با آن عناوینی که
قبلا فرمودند مشمول نمیشود و اگر قبول کنند که
نظریه بنده و همه آقایان تأمین میشود.

وزیر مالیه - در توجهی که نماینده محترم یکی از مواد
قانون مدنی داشتند خیلی خوب است ولی از بعضی مواد
دیگر غفلت فرمودند و باید بدانند که این ماده قانون

با توجه باین مواد دیگر تهیه و تنظیم شده و آن مواد را
اگر ملاحظه بفرمائید مسئله حل خواهد شد. دو ماده
در قانون مدنی است مواد ۲۵ و ۲۶ که بنده برای
تذکر آقایان میخوانم. ماده ۲۵ میگوید : هیچکس
نمیتواند اموالی را که مورد استفاده عموم است و مالک
خاصی ندارد از قبیل یلها و کاروانسراها و آب انبار های
عمومی و مدارس قدیمه و میدان کاههای عمومی تملک کند
و همچنین است قنوات و چاههایی که مورد استفاده
عموم است.

لفظ میدان در اینجا اینفائده را دارد که بموجب
این قانون استثناء میشود و اگر برای تأسیس بنای مفیدی
یک تکه از میدان کهنه را بلدیها بخواهد بفروشد و یک
بنای نوی بسازد بتواند ولی امروز مطابق این ماده
نمی تواند.

ماده بعدش این است : ماده ۲۶ اموال دولتی که
معد است برای مصالح یا انتفاعات عمومی مثل استحکامات
وقلاع و خندق ها و خاکریزهای نظامی و قورخانه و اسلحه رذخیره
و سفائن جنگی و همچنین آناه و ابنیه سلطنتی و عمارات دولتی
و سبمهای تلگرافی دولتی و موزه ها و کتابخانه های عمومی
و آثار تاریخی و امثال آنها و بالجمله آنچه که از اموال
منقول و غیر منقول دولت بعنوان مصالح عمومی و منافع
ملی در تحت تصرف دارد قابل تملک خصوصی نیست و
همچنین است اموالی که موافق مصالح عمومی بایالت و
ولایت یا ناحیه یا شهری اختصاص یافته باشد.

بالاخره بنده بیشتر موافقت آقایان را بعد از توجه
کامل باین مواد جلب کردم و الا در شور اول بنده با
این تبصره موافقت نمی کردم زیرا خیال میکردم اساساً ما
میتوانیم تملک بلدیها را در خاک ریز ها خودمان
بشناسیم ولی بعد از توجه کامل باین ماده این را اضافه
کردیم و این قید را کردیم که در صورتیکه خندقها و خاک
ریزها طرف احتیاج عمومی نباشد بلدیها و اگذار میشود
اما راجع باین قسمت اراضی باثرب که فرمودید آن هم
متأسفانه با ماده ۲۷ تطبیق نمیکند زیرا ماده ۲۷ میگوید

اموالی که ملک اشخاص نمی باشد و افراد مردم میتوانند
مطابق مقررات مندرجه در این قانون و قوانین مخصوصه
مربوطه بهر يك از اقسام مختلفه آنها تملک کرده و با
از آنها استفاده کنند مباحات نامیده میشود (و باثرب
نکفته است) مثل اراضی موات یعنی زمینهایی که معطل
افتاده و آبادی و کشت و زرع در آنها نباشد. حال این
قانون باز میآید و در يك قسمت وارد این ماده میشود
و این تجویز را میکند که اگر يك اراضی که ما این
جا اسمش را باثرب گذارده ایم و این اصطلاح را برایش
قائل شده ایم (حالا فرض میکنیم مشمول این تعریف هم
باشد یعنی يك اراضی باشد که معطل افتاده و آبادی و
کشت و زرع در آن نباشد) اگر دولت هم بخواهد
بگوید بموجب ماده ۲۶ من امروز این اراضی را متصرفم
باز ما از نقطه نظر مصالحی يك استثناء آن قائل شده ایم
و آنها را بلدیها و اگذار میکنیم و رو بهمرفته بنده
تصور میکنم این ماده و این قسمت هائی که تنظیم شده
با مواد قانون مدنی تطبیق میکنند و اگر مشکلائی باشد
رفع میکند

رئیس - پیشنهاد خودشان را مسترد کردند

پیشنهاد آقای گنجی

پیشنهاد میکنم بعد از لفظ میدانها اضافه شود که
مالک ندارد

رئیس - آقای گنجی

گنجی - عرض میکنم مخصوصاً در حدود تبریز بعضی
میدانها هست که وصل و مجاور با املاک و خانه های
مردم است و ملک آن ها نامیده می شود و بعضی
میدانها هم هست که بر عکس مالک مخصوصی ندارد
و مورد استفاده عموم است لهذا بنده این قسمت را پیشنهاد کردم
برای اینکه بعدها اسباب زحمت مردم فراهم نشود.

مخبر - آقایان بعضی اشکالات در این قانون میفرمایند
که بنظر بنده مورد ندارد برای اینکه مادر اول ماده
نوشته ایم دولت مجاز است املاک دولتی ذیل را در هر
شهری الی آخر... وقتی این طور باشد دیگر هیچ اشکالی

وارد نیست زیرا اگر يك املاکی متعلق بمردم است که
مربوط باین ماده نیست.

گنجی - بنده عرض میکنم فعلاً در تبریز بلدیها تمام
میدانها را ملک خودش میدانند و در صورتیکه
يك استثنائی در قانون بشود که بعضی جاها که مال
صاحبان ملک است از این مسئله مستثنی است ضرری ندارد.
مخبر - باین توضیحی که بنده دادم دیگر نمیتوانم
با نظر آقا موافقت بکنم زیرا فرضاً اگر اختلاف مالکیتی
هم در کار باشد باز طرفین باید بعدلیه و محکم صالحه بروند
و در آنجا عمل خودشان را قطع کنند و موضوع اختلاف
مالکیت باید بموجب حکم عدلیه قطع و فصل گردد اگر
مال مردم است که در آنجا معلوم میشود و اگر هم مال
دولت است که باز عدلیه حکمش را میکند

گنجی - بنده مسترد میدارد.

پیشنهاد آقای کازرونی

بنده پیشنهاد میکنم تل ها اضافه شود.

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - بنده عرض میکنم در بعضی نقاط مخصوصاً
در کازرون يك تل هائی است (که آنجا ها تل میگویند
ولی البته تل درست است) و اینها هیچ قابل استفاده
مردم نیست. و دولت مدعی مالکیت آنها است. شاید
مشمول یکی از فقرات مندرجه در این لایحه هم باشد
لکن بنده پیشنهاد کردم در صورتیکه آقای مخبر مقتضی
بدانند قبول بفرمایند که تلها هم مشمول این قانون
بشود. و اگر هم مشمول میدانند خوب است توضیح
بدهند بنده مسترد میدارم.

مخبر - همانطوریکه عرض کردم گمان میکنم هر چه
از این قبیل پیشنهادات بفرمایند بیفائده و زیادی است
زیرا تمام این اراضی یا اراضی باثرب است یا جزو بیونات
است باین معنی که اگر این اراضی سکنه داشته جزو
بیونات و اگر سکنه نداشته و خراب شده است جزو
قلعه خرابه محسوب است و در هر حال دولت اینها را
برای خودش نگاه خواهد داشت و دیگر لزومی ندارد

چیزی اضافه کنیم

کازرونی - چون شامل یکی از این فقرات است لهذا بنده استرداد میکنم.

پیشنهاد آقای افشار

ماده واحده را بطریق ذیل اصلاح میکنم:

ماده واحده - دولت مجاز است املاک دولتی ذیل را در هر شهری در صورتیکه برای احتیاج دوائر خود لازم نداند با اطلاع وزارت مالیه به بلدییه همان شهر واگذار نماید (قراول خانها) سر بازار خانها - میدانها اراضی باثرب - باغات - بیوانات اراضی حریم دارالحکومه قنوات باثرب دولتی که ممکن است مورد استفاده شهر ها واقع شود (بلدییه ها هر قدر از محل های مزبوره را برای خیابان های جدید و مؤسسات بلدی لازم است نگاهداشته و مابقی را مطابق قانون محاسبات عمومی بمزائده فروخته وجه حاصله را منحصراً بمصرف تأسیسات عام المنفعه همان محل خواهد رساند.

رئیس - آقای افشار

افشار - بنده موقعی که این لایحه مطرح شد اجازه خواستم و آقایان منشی های محترم متذکر نشدند ناچار شدم بعنوان پیشنهاد نظریه خود را عرض کنم بلدییه ها مطابق تشکیلات فعلی جزو وزارت داخله هستند و مطابق قسمت اخیر ماده واحده این اراضی باید از طرف وزارت مالیه بآنها واگذار و تسلیم شود. و از این حیث بلدییه ها تحت اختیار يك وزارت خانه دیگری غیر از وزارت داخله واقع میشوند و دیگر اینکه وقتی مطابق این ماده يك اراضی که دولت طرف احتیاجش نیست به بلدییه واگذار کرد آنوقت بلدییه مالك خصوصی آن اراضی میشود و باید به بلدییه ها اجازه داد که مطابق قانون محاسبات عمومی در صورتیکه يك قسمت از این اراضی طرف احتیاجش نباشد آنها را بفروشد و عوایدش را منحصراً به مصارف عام المنفعه برساند. والا نظر باینکه مابین مأمورین دولتی اشتراك مسئولیت نیست ممکن است در فروش يك قسمتی از این اراضی بین مأمورین دولتی توافق

نظر حاصل نشود. یعنی بلدییه با فروش موافق باشد و امین مالیه مخالفت کند و آنوقت نتیجه این خواهد شد که این اراضی همینطور خواهد ماند وجه آهم بمصارف عام المنفعه نخواهد رسید از این جهت بنده پیشنهاد کردم که کلمه « با موافقت وزارت مالیه » حذف شود.

مخبر - عرض میکنم اگر آقای افشار درست دقت بفرمایند ملاحظه خواهند فرمود که فعلاً ما در اغلب جاها بلدییه قانونی نداریم و در غالب ولایات بلدییه ها اداری است. یعنی يك نفر رئیس بلدییه رفته و يك کمیسیون هائی را در آنجا دائر کرده و کار میکند. علاوه بر این مقصود ما این است این قانونی را که فعلاً بمنویسیم حقیقتاً عملی باشد. نه اینکه يك چیزی بنویسیم ولی بواسطه اینکه بلدییه قانونی نداریم بيك اشکالاتی بر بخوریم و اجرا نشود. ما می خواهیم این قانونی را که می نویسیم اجرا شود. اما آمدم سر مطلب ما جمله با موافقت وزارت مالیه « را برای این نوشتیم که در همه جا وزارت مالیه نظارت داشته باشد چون املاک دولتی است و بفروش میرسد و عقیده بنده این است که اگر قدری در آن دقت و نظارت بیشتر بود بهتر است. در کمیسیونهم این پیشنهاد شده بود ولی باین جهت کمیسیون با این نظریه آقای افشار موافقت نکرد و همین ترتیبی را که نوشته شده بهتر میدانند و تأیید میکنند

رئیس - رأی گرفته میشود بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای افشار. آقایانی که قابل توجه میدانند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد

پیشنهاد آقای سید یعقوب

پیشنهاد میکنم به تبصره پیشنهادی کمیسیون رأی گرفته شود.

رئیس - مقصودتان حذف حریم است

آقا سید یعقوب - بلی آقای وزیر مالیه فرمودند خندقها و خاکریزها و حریم. آقای مخبر هم قبول کردند در لایحه که از کمیسیون تقدیم شده بود کلمه «حریم» نبود و این يك

رئیس - ماده اول مطرح است

آقا سید یعقوب - پیشنهاد ختم جلسه شده است (پیشنهاد آقای آسید یعقوب باین مضمون قرائت شد)

چون وقت گذشته است پیشنهاد ختم جلسه میکنم

رئیس - آقای یاسائی

یاسائی - بنده مخالفم زیرا هنوز ما کاری نکرده ایم. بالاخره این لایحه هم که امروز تمام نمیشود خوبست اجازه بفرمائید يك قدری در آن مذاکره بشود بعد جلسه را ختم کنیم

آقا سید یعقوب - اجازه میفرمائید

رئیس - بفرمائید

آقا سید یعقوب - آقای یاسائی کویا تشریف نداشتند ما يك کارهائی کردیم. الان هم ظهر گذشته است ولایحه هم در هر حال که فرموده خودشان امروز تمام نمیشود بهتر این است که حالا جلسه ختم شود. روز یکشنبه میآئیم و این لایحه را میگذرانیم. اشکالی هم ندارد

رئیس - رأی گرفته میشود به پیشنهاد آقای آقا سید

یعقوب. آقایانیکه موافقت قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد

وزیر مالیه - اجازه میفرمائید

رئیس - بفرمائید

وزیر مالیه - آقای وزیر عدلیه شرحی به بنده نوشته اند و تقاضا کرده اند لایحه قانونی که میخواهند پیشنهاد کنند برای تکمیل ماده واحده که سابقاً راجع بقاچاق پیشنهاد شده بود آنرا تقدیم کنم این است که تقدیم میشود

رئیس - اگر موافقت بفرمائید جلسه روز سه شنبه

دستو بقیه شور در ماده ولایحه ذباج

چیزی بود که آقای وزیر مالیه در این جا اضافه کردند و بنده عقیده ندارم زیرا حریم خندق همان خاکریز خندق است و مقصود از حریم چیزی است که برای وسعت و ارفاق ملك قرار داده اند و دست انداز ملك است و چون خاک ریز خندق در واقع همان حریم خندق است و چیز دیگری نیست از این جهت بنده پیشنهاد کردم بهمان تبصره که کمیسیون پیشنهاد کرده و مطرح بود رأی گرفته شود. ولی حالا چون پیشنهاد آقای افشار قبول شده و لایحه بر میگردد به کمیسیون تقاضا میکنم پیشنهاد بنده هم به کمیسیون برود و در اینجا مطالعات لازمه بعمل آید

مخبر - به نظر بنده لازم است که این لفظ ذکر شود ولی چون همانطوریکه فرمودند این لایحه بکمیسیون ارجاع میشود این پیشنهاد با سایر پیشنهادات هم بکمیسیون بیاید و در اینجا ملاحظات و مذاکرات لازمه خواهد شد و راپورت خواهیم داد.

رئیس - خبر کمیسیون قوانین مالیه راجع به ذباج قرائت میشود.

بعضی از نمایندگان - ظهر است

ماده اول و دوم بشرح ذیل قرائت شد

وزارت مالیه اجازه داده میشود از تاریخ تصویب این قانون فقط در شهرها و قصبات از هر کشتار یک دو قرن و از کوسفند دو قران و دهشاهی از سه قران از گاو و کوساله سه قران و دهشاهی و از گاو میش پنج قران دریافت دارد

ماده ۲ - وزارت مالیه مکلف است از ابتدای ۱۳۰۸ تا سه سال با جلب نظر وزارت داخله اعتبار کمک های لازم را نسبت به بلدییه های شهر ها و قصبائی که مسلخ ندارند برای تأسیس و نگاهداری مسلخ در بودجه های ملکیتی منظور دارند

(مجلس مقارن ظهر ختم شد)